

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۵۵ ♦ پاییز ۹۵ ♦

بررسی سیر کاربست تزیینات در عرصه عمومی سکونتگاه‌های تاریخی (نمونه موردی: بندر لافت)

مهران علی الحسابی *، ابوالفضل قربانی **

1393/12/27

تاریخ دریافت مقاله:

1394/12/18

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بررسی منظر سکونتگاه‌های اسلامی و چگونگی کاربست نقش‌مایه‌ها و عناصر تزیینی، در عرصه عمومی آن‌ها را می‌توان گمشده دیرین پژوهش‌های تاریخی دانست، آنچه مبین عقاید مذهبی و ساخت اجتماعی - اقتصادی دین اسلام به عنوان یک سنت فراغتی متعدد است. اما این موضوع، گاه در وصف سطوح تزیینی عرصه داخلی از نظر پنهان مانده و گاه با تعبیری چون "علم توجه به ظاهر بنا در معماری اسلامی" از پیگیری آن صرف نظر شده است. پنهان ماندن آموزه‌ها و ریشه‌های غنی این موضوع، علاوه بر آن‌که ما را از دستیابی به مرجعی مستقیم در حل بحران‌های بصری سکونتگاه‌های امروزین باز می‌داد، از رهگذر آشفتگی‌های بصری، موجب تأکید بر تمایزات مالی و تفرق اجتماعی می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با شناسایی و معرفی تزیینات به کار رفته در بندر لافت به عنوان نمونه‌ای از سکونتگاه‌های دارای بافت تاریخی کشور که به واسطه موقعیت جغرافیایی خود تا حدودی از هجمه تحولات کالبدی گریخته است، نحوه و سطوح کاربست تزیینات در بافت کهن آن را بررسی نماید. روند این پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای شروع و در پی آن به برداشت نمونه‌ها با استفاده از مطالعات میدانی پرداخته شده است. مطالعات و تحلیل‌های پایه صورت گرفته در روستایی لافت بیانگر وجود شباهت‌ها فرمی در تزیینات به کار رفته بر عناصر کالبدی تأثیرگذار در سیمای بصری بافت بوده است. جهت دریافت تأثیر این شباهت از جنبه کالبدی و اجتماعی، سیر کاربست تزیینات در بافت کهن لافت در دو سطح کلیت بافت و مقیاس‌بنا مورد بررسی قرار گرفته است. سپس وجه معنوی این تزیینات نیز به واسطه وحدت جدایی ناپذیر مابین دو عرصه صورت و معنا در هنر ساخت اسلامی، مورد کاوش قرار گرفته است. یافته‌های نهایی این تحقیق مبین این مطلب است که استفاده از تزیینات در بافت کهن لافت که در براساس حوزه دید انسان، دارای سطوح کاربست متفاوتی بوده و در یک سیر تسلسلی جلوه خاصی را برای این بافت‌ها فراهم کرده است. این بررسی همچنین نشان می‌دهد که مفهوم وحدت اجتماعی به عنوان یکی از اصول کلیدی اسلام که در کلیت خود بیانگر تأکید بر شباهت و دوری از تمایزات مالی و اجتماعی است، یکی از بنیادی‌ترین عوامل مؤثر بر سازمان بصری بندر لافت می‌باشد.

واژگان کلیدی: لافت، سکونتگاه‌های اسلامی، عرصه عمومی، تزیینات، وحدت اجتماعی.

* دکترای طراحی شهری، استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران. a.ghorbani@auic.ac.ir

مقدمه

به نظر می‌رسد کاربرد واژه تزیین در سیر بررسی‌های تاریخی حوزه معماری و شهرسازی اسلامی با واژه اندرون گره خورده و سطوح تزیینی خارجی بنا حتی در پایین‌ترین سطح خود به فراموشی سپرده شده است. به همین دلیل زمانی که از شهر یا روستایی به عنوان فضای سکونتگاهی اسلامی نام برده می‌شود، آنچه در ذهن متبارد می‌شود، جداره‌هایی ساده، رو به عرصه عمومی است که صرفاً جنبه کارکردی داشته و از جلوه‌های بصری تهی هستند. اما باید توجه داشت که «اگرچه کالبد این سکونتگاه‌ها با مصالح محدود و محدودی بنا می‌شد، اما تنوع اشکال، تنسابات و احجام سبب می‌شد تا کالبد حاضر عاری از یکنواختی و خسته‌کنندگی باشد» (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۹۰). بنابراین می‌توان با بررسی احجام و عناصر کالبدی تأثیرگذار در منظر این بافت‌ها، به نحوه و سطوح کاربرد تزیینات در عرصه عمومی سکونتگاه‌های تاریخی پی‌برد.

شرح مسئله

فقدان بررسی‌های مستدل در زمینه عناصر و نقش‌مایه‌های تزیینی در عرصه عمومی شهرها و روستاهای تاریخی کشور سبب شده تا از دستیابی به پیشینه‌ای متقن برای ارائه الگویی مناسب جهت ساماندهی سیمای بصری عرصه سکونتگاه‌های امروز باز بمانیم که فقدان آن با توجه به خیل عظیم ساخت‌وسازها موجب نابسامانی سیمای بصری سکونتگاه‌های معاصر شده است. این مقاله با هدف کمک به ارائه الگویی مؤثر در نحوه ساماندهی عناصر تزیینی به کار رفته در جداره‌های شهری معاصر، به بررسی منظر بندر لافت می‌پردازد که به عنوان یکی از سکونتگاه‌های تاریخی کشور کمتر مورد مداخله قرار گرفته است.

پرسش‌های تحقیق

۱. نوع نقش‌مایه‌ها، نحوه و سطوح کاربرد تزیینات در بافت کهن بندر لافت چگونه است؟

۲. آیا می‌توان ارتباطی مابین تزیینات سطوح مختلف کالبدی در عرصه عمومی مشاهده کرد؟

۳. نحوه تأثیر اندیشه و مفاهیم ارزشی دین مبین اسلام بر نقش‌مایه‌ها و سطوح تزیینی در بافت کهن بندر لافت چگونه است؟

روش تحقیق

نظر به پژوهش‌های محدود صورت گرفته در خصوص بندر لافت، نخست اسناد کتابخانه‌ای برای تدوین چهارچوب نظری موضوع، بررسی شد و سپس جهت وصول به اهداف مورد نظر از روش تحقیق اکتشافی استفاده گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی به مشاهده بستر روستا و ثبت نمونه‌ها و نیز مشخص کردن گونه‌ها اقدام شد. در این بین جهت اطمینان از صحت اطلاعات برداشت شده و عدم وقوع تغییر عمدۀ کالبدی (به‌خصوص با اجرای طرح هادی و بهسازی)، مصاحبه‌هایی با مسئولان امر و اهل فن صورت گرفته است. در نهایت، اطلاعات گردآوری شده اعم از کتابخانه‌ای و میدانی با روش توصیفی-تحلیلی جمع‌بندی شده و نتیجه آن ارائه گردیده است.

مبانی نظری

تزیینات و مبانی کاربرد آن در دین مبین اسلام در مورد تزیینات در معماری کهن سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران بسیار سخن گفته‌اند، درحالی که از بسط این موضوع در حوزه شهری به دلایل گوناگونی اجتناب شده است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آنرا باید تأکید دین مبین اسلام بر تواضع و فروتنی، به‌خصوص در عرصه جمعی دانست. اما باید توجه داشت که اندیشه اسلامی تزیین را به‌طور کامل نفی نکرده است، بلکه

می‌گردد، آنچه در این راستا اهمیت دارد این است که بهره‌گیری از تزئینات نباید با زیاده‌روی و اسراف همراه گردد. در این راستا اسلام تفاخر و غرور را نهی و نفی نموده و بالعکس تواضع و فروتنی را که سبب یکپارچگی بیشتر اجتماعی می‌شود توصیه می‌کند. این تکلیف، به طور مستقیم یا غیر مستقیم و در دفعات بسیار در قرآن کریم سوره اشاره قرار گرفته است (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۷۰)، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که به کارگیری تزئینات در عرصه‌های عمومی در عین رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی، نه تنها با فرهنگ و توصیه‌های این مکتب تعارضی ندارد، بلکه بررسی مصاديق آن در معماری و شهرسازی سنتی این سرزمین، آموزه‌هایی ارزشمند در پیش روی ما فراهم ساخته که آگاهی به کم و کیف آن‌ها طراحان و دانش پژوهان شهرسازی را در یافتن راههای نوین راهنمایی خواهد نمود.

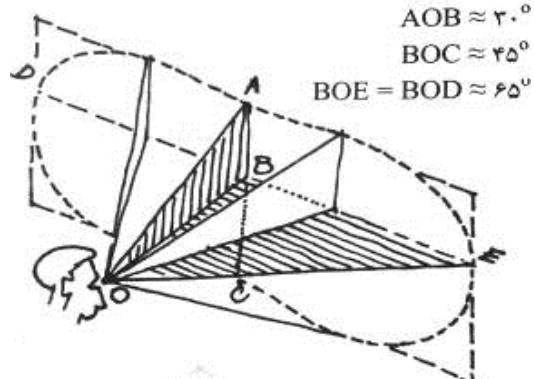
منظر سکونتگاه‌های اسلامی و مبانی ادارک آن‌ها
 منظر را می‌توان جنبه عینی و یا قابل ادراک محیط دانست، آن بخش از اطلاعات محیطی بالقوه که به کیفیتی مستقیماً محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). مناظر سکونتگاه‌ها به عنوان سطح تماس انسان با پدیده شهر و یا روستا قادرند نفوذ ارزش‌های مذهبی را به نمایش بگذارند و یا سلطه نهادهای سیاسی، اقتصادی و ... را بیان کنند (گلکار، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸). برای مثال کالبد همگن، همانگ و متعادل یک شهر که عاری از تسلط عناصر مادی و یا اظهار تشخص انسان‌ها توسط عمارت باشد، تأثیر بسزایی در احساس وحدت و همراهی و همدلی و تجانس اهل شهر خواهد داشت (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۷). سکونتگاه‌های تاریخی ایران دارای بافت و کالبد همانگ و بدون تفاخر و تمایزات خودستایانه مادی بوده‌اند. بارزترین ویژگی این بافت‌ها جداره ساده و یکنواخت

تعظیم و تزیین آنچه را که معنوی و الهی و موجب توجه بیشتر انسان به مسائل روحی و معنوی است، توصیه می‌نماید (نقره‌کار، ۱۳۸۷، ص ۶۱). در تحلیل هنر و معماری اسلامی نقش تزیین به عنوان وسیله‌ای برای شرافت بخشیدن به ماده تا به افق‌های برتر اعتلا یابند، رنگ و هویت معنایی و نهایتاً شخصیت فوق طبیعی بیابند و معنوی و الهی شوند یک نقش محوری است (میشل، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱ و دوپولو، ۱۳۶۸، ص ۶۶). به همین سبب تزئینات جزء لاینک معماری اسلامی است و بخش عمده‌ای از تلاش‌های طراحانه در معماری و شهرسازی گذشته ایران به تزیینات اختصاص یافته و اثربخشی وسیع در شکل‌گیری و دوام و بقای آن دارد. این تزیینات می‌تواند شامل کوچک‌ترین اجزای معماری با کاربرد انواع صالح در ساده‌ترین صورت ممکن تا کلی‌ترین و عمده‌ترین بخش‌های معماری مانند گنبدها، مناره‌ها و ... با انواع و اقسام صالح در پیچیده‌ترین شکل‌های مختلف هندسی و انتزاعی با روش‌های گوناگون باشد (مکی نژاد، ۱۳۸۱). با توجه به تأثیر بصری بسیاری از این عناصر و احجام در عرصه پیرامونی خود، می‌توان دریافت که تزیینات در حوزه معماری اسلامی فقط به غنا و پیچیدگی آن در فضای داخلی و در مقیاس یک بنا محدود نمی‌شود و دارای نقش‌ها و جلوه‌های بصری خاصی در عرصه پیرامونی خود نیز می‌باشد.

روشن است که بروز و کاربست تزیینات در عناصر تأثیرگذار بر عرصه عمومی از اهمیتی دوچندان برخوردار است، زیرا هم‌پیوندی، انسجام و هماهنگی عناصر تزیینی با یکدیگر سبب یکپارچگی بصری بافت شده و دلپذیری محیط و حسن تعلق به آن را افزایش می‌دهد. به علاوه تعادل در استفاده از نقش مایه‌ها و عناصر تزیینی موجب ارتقای کیفیت‌های بافت کالبدی و غنا و هویت محیطی

آن‌ها به سمت فضای عمومی بود. در عین این سادگی و هماهنگی، استفاده از فرم‌های متنوع و احجام متفاوت نیز یکنواختی حاصل از محدودیت مصالح این بافت‌ها را متنفسی می‌نمود (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

از سویی باید توجه داشت که هر فرد در مواجهه با محیط خود با انبوهای از اطلاعات بالقوه رو به روست که تنها می‌تواند بخشی از آن را احساس کند و سپس ادراک نماید. (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). آنچه در ارتباط با منظر سکونتگاه‌ها و تنوع فرمی و شکلی آن‌ها در سطوح مختلف شایان توجه است، توانایی‌ها ادراکی چشمان انسان به عنوان زمینه ساز فرایند ادراک است. دو چشم انسان دارای یک میدان دید کلی و یک میدان دید جزیی است. میدان دید کلی شکل مخروطی نامنظم دارد که از بالا تا حدود ۳۰ درجه، از پایین ۴۵ درجه و از طرفین ۶۵ درجه اندازگیری می‌شود و در آن شکل کلی آسیا قابل درک است. در میدان دید جزیی که مخروطی بسیار باریکتر حدود ۲ تا ۵ درجه داخل میدان دید کلی است جزئیات آسیا را می‌توان مشاهده کرد. (توسلی، ۱۳۹۰، ص ۴۹ و پاکزاد، ۱۳۹۰، ص ۳۱). بر این مبنای تحلیل و بررسی سطوح مختلف تزیینی در عرصه عمومی سکونتگاه‌ها می‌بایست در ارتباط مستقیم با نحوه ادراک چشمان انسان و تفکیک دو گونه دید فوق باشد.



ت ۱. حوزه دید کلی و جزیی چشمان انسان.

منبع: توسلی، ۱۳۹۰، ص ۴۹.

محدوده مورد مطالعه
موقعیت جغرافیایی

بندر لافت یکی از مراکز جمعیتی دهستان سلح در شهرستان قشم می‌باشد که در محدوده ۵۵ درجه و ۴۶ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. لافت از لحاظ تقسیمات اقلیمی تابستانی ایران در منطقه خلیلی گرم و مرطوب و از لحاظ تقسیمات زمستانی در منطقه گرم و مرطوب قرار گرفته و دارای بیشینه دمای مطلق ۴۶ درجه و کمینه صفر درجه سانتی‌گراد است (لیلیان، عابدی و امیرخانی، ۱۳۸۹).

موقعیت بندر لافت (تصویر شماره ۲) در دماغه شمالی جزیره قشم و در نزدیکترین فاصله با ساحل ایران و عمق کم آب در این نقطه، از زمان‌های بسیار دور به این بندر اهمیتی خاص بخشیده است (امت‌علی، ۱۳۸۳).

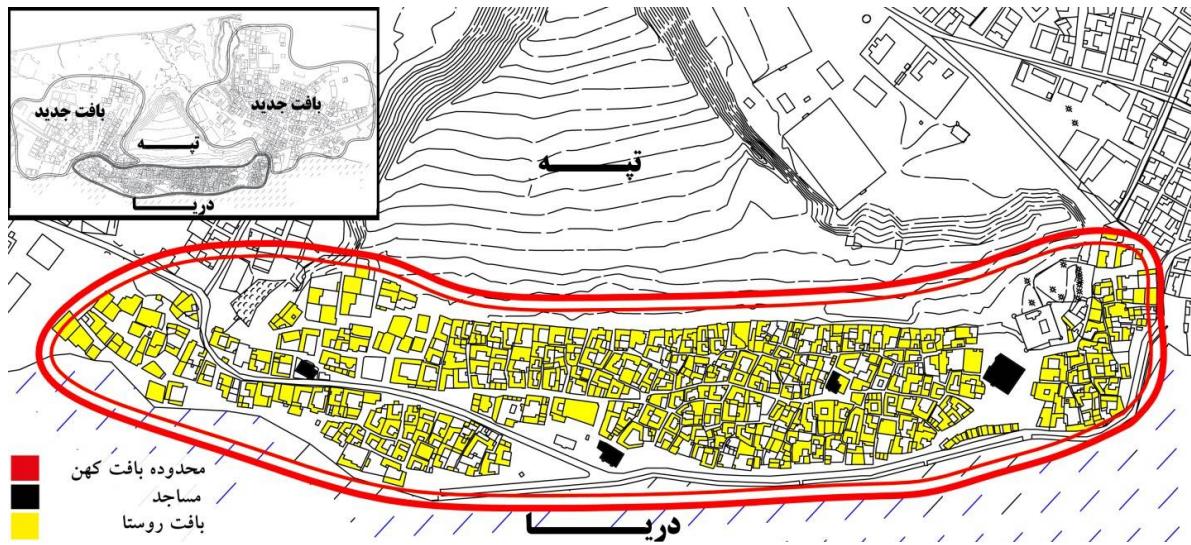


ت ۲. موقعیت مکانی روستای لافت در جزیره قشم.

منبع: نقشه گردشگری، سازمان منطقه آزاد قشم.

کلیاتی در مورد لافت و معماری کهن آن بخش اصلی بندر لافت که هسته اولیه و بافت کهن آن را شامل می‌شود، در کنار دریا و بر دامنه کم شیب تپه‌ای واقع شده است. عرض این بخش از بافت حدود ۲۰۰ متر و طول آن حدود ۱۲۰۰ متر بوده و متوسط شیب بستر آن در این حوزه حدود ۵ درصد می‌باشد (طرح هادی لافت ۱۳۸۰، ص ۳۲). وجود مساجد متعدد

4) مسجد از 7 مسجد لافت در بافت قدیم که یکی از شاخصه‌های کالبدی این بافت است در عمل محله‌هایی



ت 3. بندر لافت و محدوده بافت کهن آن. مساجد از راست به چپ: مسجد جامع، مسجد میانی، مسجد لب آب، مسجد کبکان . منبع: طرح هادی بندر لافت ۱۳۸۰ .

می‌کند(گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲).



ت 4. دور نمایی از بندر لافت.

منبع: www.iranloft.permontsoft.com

شکل کلی معماری بندر لافت، متأثر از معماری نواحی مرکزی ایران است (دهپور، ۱۳۹۰). در این کناره اکثر ساختمان‌ها نیمه درون‌گرا هستند و اتاق‌ها در اطراف یک حیاط مرکزی قرار دارد (پور جعفر و دیگران، ۱۳۹۰).

بافت کهن بندر لافت بافتی ارگانیک، متراکم و تا حدی فرسوده است. فشردگی بافت ناشی از قطعات کوچک زمین و اختصاص بخش عمده این قطعات به ساختمان است. نکته قابل بررسی، شکل‌گیری بافتی با ارزش است، از مجموعه واحدهایی که به تنها یک واحد ارزش خاصی نمی‌باشند. این نکته بهویژه در مورد واحدهای مسکونی صدق می‌نماید. زیرا این واحدها عموماً بنایی ساده، روستایی و با تزییناتی اندک هستند(تصویر شماره ۴) اما در بسیاری از این بناها عناصر معماری، نظریه بادگیر وجود دارد که موجود ارزش عمده بافت است (امت‌علی)، (۱۳۸۳) و تأثیر بسزایی در منظر این روستا دارد. در بافت قدیم لافت، سیمای عمومی منظره‌ای اخراجی رنگ با بافتی فشرده و کوچه‌هایی کم عرض است که عنصر شاخص عمودی- بادگیر- در آن جلب توجه

تزيينات

در ابتدا می‌بايست به این نکته اشاره کرد که از دو جنبه گوناگون می‌توان به مبحث تزيينات در عرصه سکونتگاه‌های تاریخی قلمرو اسلامی پرداخت. نخست استفاده از تفاوت در بافت؛ یعنی بهره‌گیری از تضاد موجود بین مصالح همچون سنگ، آجر، چوب، گچ و کاشی کاری برای تزيينات (هیل براند، ۱۳۹۱، ص ۱۰) که به‌واسطه پیچیدگی ترکیب و تنوع مصالح، در گستره این نوشتار نمی‌گنجد و خود به مطالعات دیگری احتیاج دارد. اما وجه دوم که موضوع این پژوهش را تشکیل می‌دهد استفاده از نقش‌مايه‌ها و فرم‌های گوناگون، تکرار و تکثیر آن‌ها به عنوان عناصر تزيينی است. این وجه از کاربست تزيينات، با توجه به مبانی دین مبين اسلام و تأثيرات بصری شاخص اين فرم‌ها در منظر عرصه سکونتی، از اهمیتی خاص برخوردار است. در اين راستا با توجه به وحدت جدایی ناپذیری که بين صورت و معنا در حوزه معماری اسلامی وجود دارد و برای جلوگیری از پرداختن به مرتبه صرف مادي که غالباً موجب غفلت از مراتب بالاتر (و آنچه در پس و بطن اين ظاهر است) می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۹)، تزيينات به کار رفته در لافت با دو رویکرد کالبدی و معنایي دسته‌بندی و بررسی خواهند شد. در بررسی‌های کالبدی نيز برای دوری جستن از جزء و يا کل بینی، سير کاربست تزيينات در دو مقیاس کلیت بافت و مقیاس بنا مورد بررسی قرار گرفته است.

وجه کالبدی تزيينات در روستای لافت

تزيينات در کليت بافت

همان‌طور که در تصویر شماره ۳ مشاهده می‌شود بافت کهن بnder لافت متشكل از ۴ مسجدی است که با بافت مسکونی احاطه شده‌اند. اما آنچه از اين بافت در عرصه عمومی درک می‌شود، منار مساجد، بادگيرها و فضای

تزيينات به کار رفته در سطح خرد

مقصود از تزيينات به کار رفته در مقیاس خرد، نقوش و عناصر به کار رفته در ارتفاع مابین ۱ تا ۳ متر است که درب و سردر در فضاهای ورودی عرصه سکونتی را شامل می‌شود. اين فضا به‌واسطه عملکرد ویژه خود نظیر دعوت‌کنندگی، انتظار و گفت‌و‌گو مدت زمان بيشتری از حضور را طلب کرده و به‌واسطه کنش مستقيم با انسان دارای غنای بصری پيچide و بيشترین جزئيات نسبت به سایر سطوح در بافت کهن بnder لافت است.

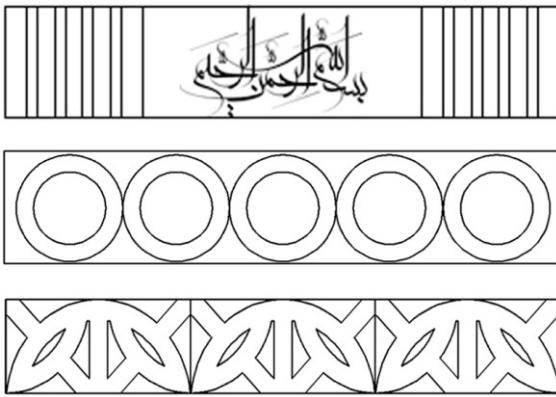
درب ورودی

تزيينات به کار رفته بر درب‌های ورودی ابنيه مسکونی در دو دسته "اجزا" و "نقش مایه تزيينی" قابل بررسی است. درب‌های قدیمی لافت همچون بسياری از درب‌های معماري ستی از اجزای متفاوتی مانند کوبه، گل‌میخ، پاشنه و لولا، چفت و بست و دستگیره تشکیل شده‌اند که ترکیب اين عناصر با يكديگر جلوه بصری درب‌ها را در عرصه عمومی تأمین می‌کند (تصویر شماره ۵).



ت ۵. نمونه‌ای از حکاکی و تزيينات موجود بر درب ورودی. منع: نگارندگان، ۱۳۹۲.

سطح (تصویر شماره ۷) از نمای خارجی هر بنا است (سلطان زاده، ۱۳۹۲، ص ۹۵). اما در لافت به دلیل شرایط اقلیمی گرم و مرطوب و لزوم کوتاه بودن جداره‌ها جهت جریان هوا این نوع مرسوم از سردرب در فضای ورودی شکل نیافته و شاهد ترکیب این عنصر به صورت مفرنسی و یا چوبی با درب ورودی مطابق تصویر شماره ۷ هستیم. بدین ترتیب علاوه بر خلق زیبایی بصری با حداقل اقدامات، امکان جریان هوا از فضای ورودی نیز فراهم شده است. البته باید توجه داشت که در کوچه‌های فرعی به دلیل کاهش عرض و عموماً کوچک مقیاس بودن درب‌های ورودی کمتر شاهد استفاده از این نوع سردرب هستیم.

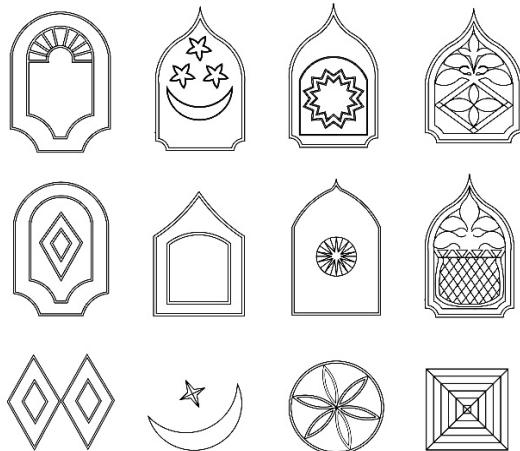


ت ۷. نمونه‌ای از سردرب‌های به کار رفته در بندر لافت. منبع: نگارندگان.

تزیینات به کار رفته در سطح میانی

سطح میانی شامل کاربست تزیینات بر عناصری است که از تأثیر کالبدی خاصی در عرصه شبکه معابر عمومی برخوردارند. تزیینات در این مقیاس به واسطه ارتفاع کاربست نسبتاً بالای ۲ تا ۴ متر از سطح نقوش فراتر رفته و جهت نمایانی و درک بهتر، به صورت گچ کاری‌های فرمی ظاهر می‌شوند. مهم‌ترین عنصر موجود در این سطح در لافت پیش تاق فضای ورودی است که شاخص‌ترین عنصر اینیه مسکونی در فضای عمومی و شبکه ارتباطی را تشکیل می‌دهد.

اما آنچه به این درب‌ها اهمیتی دو چندان می‌بخشد و عموماً در محدوده فضای ورودی قابل درک است، نقوش تزیینی به کار رفته بر سطوح آنها است. نقوشی که بر پایه اشکال اسلامی، فرم‌های تجریدی و صور طبیعی همچون خورشید، ماه و ستارگان، در قالب حکاکی بر سطوح درب‌ها نقش بسته‌اند (تصویر شماره ۶). درک این ترکیب‌های تزیینی غنی و پیچیده در محدوده فضای ورودی علاوه بر جلوگیری از جلب توجه به مورد رهگذران به درگاه خانه، نقش خاصی نیز در عملکرد فضای ورودی به عنوان آخرین مرحله عبور از دنیای بیرون و به اندرون دارد. به واقع ذهن مخاطب در فضای بیرون و قبل از ورود به بنا چهارچوبی عمومی دارد و شاید آمادگی لازم برای ورود به خلوت و حریم اندرون را نداشته باشد (مهدی پور، جعفری، سعادتی، ۱۳۹۲). اینجاست که با لحظه‌ای مکث در درگاه عرصه خصوصی، ظرافت سطوح، ذهن را می‌رباید، تنش‌های ناشی از دنیای بیرون را کاهش داده و ذهن را آماده ورود به عرصه درون می‌کند.



ت ۶. نمونه‌ای از حکاکی‌های موجود بر روی درب‌های ورودی. منبع: نگارندگان.

سردرب

بخشی از فضای ورودی که در فضای بالای درب قرار داشت، سردرب نامیده شده و معمولاً مزین ترین

پیش تاق

در بیشتر بناهای معماری و معماری - شهری، در ورودی بنا را بدون مقدمه و بیواسطه در سطح دیوار خارجی بنا تعییه نمی کردند، بلکه آنرا به صورتی طراحی می نمودند که از سطوح مجاورش به خوبی تمایز شود. بنابراین فضای ورودی، تنها بخش مهم در نمای اکثر بناها بوده که می توانست نقش یک عنصر شاخص و نشانه را ایفا کند. (سلطان زاده، 1392، ص 66). پیش تاق به صورت فضایی سرپوشیده و نیمه باز در جلوی درگاه ورودی می باشد بنهای عمومی لافت بسیار معمول بوده و در زمرة اصول اصلی شکل گیری اینها به شمار می رود (تصویر شماره 8).

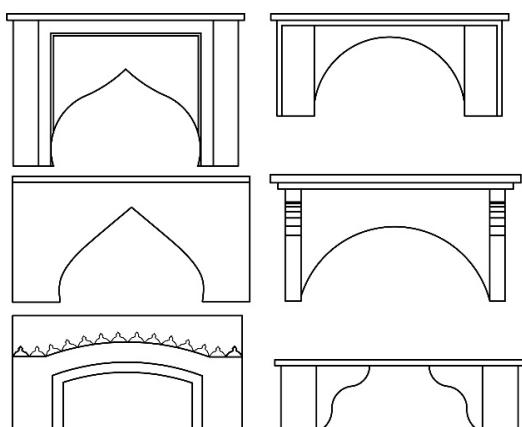


ت 8. سر درب های ورودی در لافت. منبع: نگارندگان، 1392.

نمای پیش تاق های لافت و حتی سقف آن با ترکیب های مشابهی از "قوس های تیزه دار و مازه دار"، "گچ کاری فرمی" و "ردیف هایی از مقرنس" نقش خورده اند. نمونه های برجسته بهره گیری از این فرم ها و نقش مایه ها را می توان در تصویر شماره 9 مشاهده کرد.

جداره حیاط و شبستان مساجد

مسجد بدليل جامعیت، اهمیت، تعدد و جایگاه والايشان در شهرهای مسلمانان، از اصلی ترین عوامل هویت دهنده کالبدی همه مجتمع های زیستی مسلمانان اعم از شهرها و



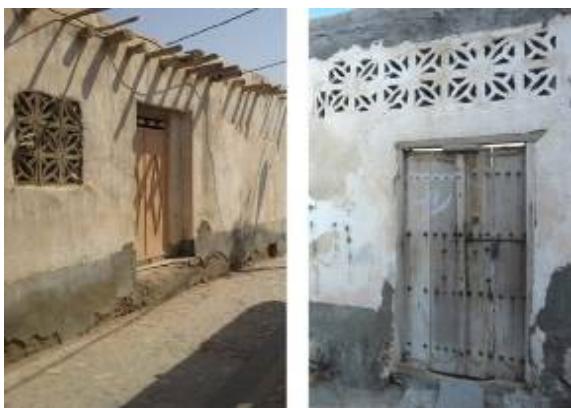
ت 9. سر درب های ورودی در لافت. منبع: نگارندگان.

البته این بخش تمامی عناصر عمومی همچون میدان ها، بازارها و مدارس را که دارای جداره های مؤثر بر عرصه



ت ۱۱. جایگاه‌ها ایجاد روشنای در سطح بافت.

منبع: نگارندگان ۱۳۹۲ - ۱۳۹۲.



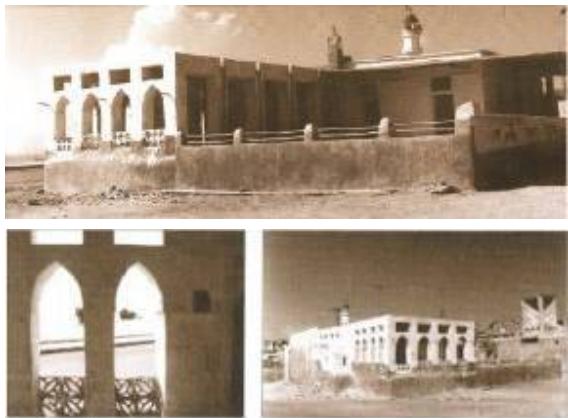
ت ۱۲. فخر و مدین و کاربست آن در جداره عرصه

عومی. منبع: نگارندگان، ۱۳۹۲.

تزیینات به کار رفته در سطح کلان

کاربست ترکیب‌های مشابه ساختی همچون سطوح میانی بر بدنہ بادگیرها و منار مساجد سومین سطح به کارگیری تزیینات در بافت کهن روستای لافت را به نمایش می‌گذارد. ارتفاع ۴-۱۰ متری این عناصر سبب شده تا تزیینات به کار رفته در این مقیاس جهت حفظ تأثیر بصری، دارای بزرگترین اندازه در میان سایر سطوح باشند.

عمومی هستند شامل می‌شود، اما به دلیل فقدان برخی از این عناصر در بندر لافت، مساجد به عنوان شاخص‌ترین این عناصر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.



ت ۱۰. فرم‌های تاقی شکل به کار رفته در بخشی از شبستان مسجد لب آب. منبع: گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۰.

چراغدان و مشعلدان ها

از عناصر دیگری که در این مقیاس قابل مشاهده بوده و در سیر پژوهش‌های تاریخی کمتر بدان‌ها اشاره شده است، آتشدان‌ها و یا جایگاه‌ها ایجاد روشنای در سطح بافت می‌باشد. این عناصر که علاوه بر وجه عملکردی دارای جلوه بصری خاصی نیز هستند به دو شکل متفاوت در سطح بافت به کار رفته‌اند. گونه‌ای با قرارگیری در سرسرای خانه‌ها وظیفه روشن نمودن عرصه مقابل آنها را بر عهده داشته و گونه‌ای دیگر با قرارگیری در محل تقاطع‌ها، روشنایی این نقاط را فراهم می‌کرده‌اند. این عناصر عموماً محفظه‌هایی با فرم تاقی شکل با نوک تیز در قسمت فوقانی خود هستند که در جداره عرصه عمومی تعییه شده‌اند (تصویر شماره ۱۱).

شایان ذکر است که در این مقیاس، نوع خاصی از عناصر مشبك پیش‌بینی شده در اینی به نام "فخر و مدین" بر جداره عرصه عمومی یافت می‌شود که علاوه بر جلوه

بادگیر

بادگیرها نخستین عناصری هستند که با حضور در لافت مشاهده و آخرین خاطرهای هستند که فراموش می‌شوند (تصویر شماره 13). بادگیرهای بندر لافت را در ساده‌ترین حالت می‌توان بر حسب تعداد دهانه‌هایشان تقسیم‌بندی نمود که گونه‌های دوطرفه و چهار طرفه با بلندای 4 و 10 متر را شامل می‌شوند. اگرچه گونه دوطرفه عموماً بدون ترتیب و صرفاً دارای جنبه کارکردی هستند، اما غنی‌ترین و متنوع‌ترین تزیینات در لافت را می‌توان بر بدن بادگیرها مشاهده کرد. تزیینات به کار رفته بر سطوح بادگیرها به سه دسته کلی قابل تقسیم است. نخست تزیینات به کار رفته در ستون بادگیر که شامل عناصر ساختی قوسی شکل و نقوش متنوعی مطابق جدول شماره 1 هستند. سپس گچ کاری‌های فرمی دهانه بادگیر با بن مایه‌های گیاهی و هندسی (ربع دایره، نیم دایره، شبدری و نقوشی مانند خورشید، ماه و ستارگان) که مهم‌ترین وجه تزیینات در این عنصر هستند. در سومین و رفیع‌ترین قسمت بادگیر نیز می‌توان اشکال گوناگونی به صورت مقرنس را مشاهده نمود که رو به آسمان دارند.



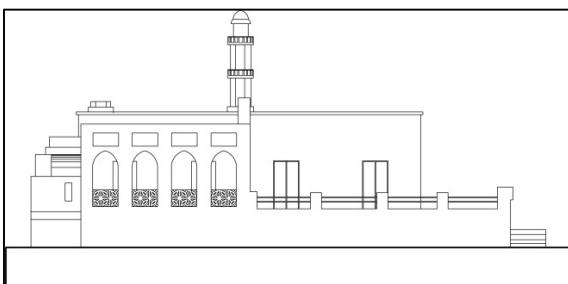
ت 13. نمایی از عرصه عمومی بافت کهن و تأثیر
بصری بادگیرها بر آن. منبع: نگارنده‌گان، 1392.

به عنوان بلندترین بادگیرهای موجود در لافت دارای بیشترین تزیینات بر سطوح سه گانه خود هستند.

این مستله نشان‌دهنده درک صحیح گذشتگان از تأثیر نامطلوب بصری عناصر بلند بر کالبد بافتی چنین فشرده و کم ارتفاع بوده است. بدین سبب با پوشاندن سطوح این عنصر عمودی با نقوش و فرم‌هایی تزیینی، از ارتفاع این عناصر بهره گرفته و همچون مجسمه‌های منقوش از آن‌ها برای خلق جلوه بصری بهره گرفته‌اند.

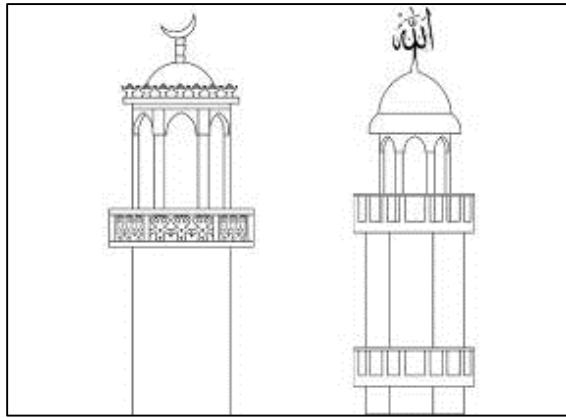
منار مساجد

متاسفانه 3 مسجد کهن بافت یعنی مسجد جامع، مسجد میانی و مسجد لب آب در سال‌های اخیر تخریب و نوسازی گردیده‌اند. اما آنچه از بررسی تصاویر برجای مانده از مسجد لب آب به عنوان آخرین نمونه بومی مساجد قبل از تخریب می‌توان دریافت، مقیاس انسانی این بنا، منار آن بوده است. منار کهن این مسجد (تصویر شماره 14) با ارتفاع 9,30 متر دارای عناصر ساختی قوسی شکل بر تاج منار به عنوان تزیین بوده که در بالاترین قسمت آن به یک گنبد کوچک تبدیل می‌شده است. البته این شیوه ساخت و تزیین منار را در میان مساجد بازسازی شده می‌توان در منار مسجد جامع مشاهده نمود که نمایانگر تقلید مطلوب از معماری بومی و حوزه پیرامونی در تجدید بنا می‌باشد. بدین سبب در کنار منار مسجد لب آب شما بی از این منار نیز ارائه شده است (تصویر شماره 15).



ت 14. مسجد تی آبی. منبع: گروهی از دانشجویان
دانشگاه تهران، 1380.

آنچه در این مقیاس شایان توجه است افزودن بر نقوش و تزیینات به کار رفته بر سطوح بادگیرها با افزایش ارتفاع آن‌ها است. چنان‌که بادگیرهای چهار طرفه سه چشمی



ت ۱۵. از سمت راست؛ مnar کهن مسجد لب آب و مnar نوساز مسجد جامع.

منبع از سمت راست: گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، نگارندگان.

بادگیر	اجزا	تریینات
	سقف بادگیر	
	دهانه بادگیر	
	ستون بادگیر	

ج ۱. نمونه هایی از گچ کاری های فرمی به کار رفته در بادگیر. منبع: نگارندگان.

چشم انسان دارای یک میدان دید کلی انسان (از بالا تا حدود 30 درجه، از پایین 45 درجه و از طرفین 65 درجه) و یک میدان دید جزیی (حدود 2 تا 5) است. در لافت کاربست تزیینات به گونه ای است که در ارتفاع 1 تا 2 متر که معمولاً بدون تکان دادن سر، در میدان دید جزیی قرار می گیرد، شاهد به کارگیری پیچیده ترین نقوش و عناصر تزیینی بوده و در ارتفاع 2 تا 10 متر که در

سیر تسلسلی نشانه ها در سطح کلان جدول شماره 2 با ارائه برخی از نقوش و ساخت مایه های تزیینی در عرصه عمومی بافت کهن بندر لافت، امکان مقایسه تزیینات به کار رفته در سه سطح فوق را فراهم می کند. نخستین چیزی که از این بررسی بدست می آید توجه به محدودیت های دید انسان در به کارگیری گونه های متفاوت تزیینات است. همانگونه که گفته شد

نشانگر سیر تسلسلی به کارگیری تزیینات در بافت کهن بندر لافت است. تسلسلی که به شکل گیری بافتی با جلوه‌های بصری شگرف و متنوع بدون تأکید بر تمکن مالی و موقعیت اجتماعی مردمان آن انجامیده است.

میدان دید کلی قرار می‌گیرد، برای درک عناصر تزیینی، ابعاد و تنوع فرمی آنها افزایش یافته است. سپس می‌توان به تزیینات خرد مقیاس و مشابه از درب‌های ورودی تا بلندی‌ای بادگیرها و منار مساجد اشاره کرد که

			نمای			
سطح کلان		تار				
بادگیر	بادگیر					
		4-10m				
بازار	بازار					
سطح میانی	بازار شناصر عمومی آتشدانها	2-4m				
سطح خرد	سردر دربر	1-3m				

ج ۲ سیر تسلسلی استفاده از تزیینات در بافت کهن بندر لافت. مأخذ: نگارندگان.

مقرنس‌های به کار رفته بر فراز آن است. در نهایت نقش مایه‌های به کار رفته بر درب ورودی بنا را می‌توان با انحنای گچ کاری‌های فرمی دهانه بادگیر مقایسه کرد. در این مقیاس نیز با پرهیز از ایجاد فرم‌ها و نقش مایه‌های مسلط و سلطه‌گر که به نوعی بر تفاوت‌ها تأکید می‌کنند، بنایی با جلوه‌های بصری با شکوه و در عین مردم‌وار ایجاد شده است.

وجه معنوی تزیینات در بندر لافت

از آنجا که سکونتگاه‌ها (اعم از کالبد، منظر و سازمان فضایی‌شان) به تبعیت از آرمان‌ها و اهداف و امکانات اهل خویش شکل می‌گیرد، متقابلاً می‌توانند تجلیگاه و مظهر ارزش‌ها و اصول مورد باور جامعه باشد و بدین ترتیب این اصول و ارزش‌ها را به کسانی که در آن زندگی می‌کنند القا نموده و زمینه تثبیت و تقویت آن‌ها را در ذهن مردم فراهم آورند (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۸-۸۹). هنر اسلامی نیز مانند هر هنر دینی دیگری اصل و جوهره اش انتقال پیام الهی از طریق واسطه‌های خیالی و حسی هنری است بدون تفکیک اثر هنری از پیام الهی (مدلپور، ۱۳۸۷، ص ۲۱). مهم‌ترین شیوه و شگردی که در هنر معماری اسلامی برای پدیدارسازی پیام الهی و سیر از ظاهر به باطن به کار گرفته شده، نشانه‌گرایی است. در معماری از آنجا که کالبدها مادی هستند وابسته به زمان و مکان بوده و فقط به صورت نشانه‌ای، رمزی و آیه‌ای می‌توانند برای مؤمنان دل ادراک معنوی پیدا کنند (نقره‌کار، ۱۳۸۷، ص ۶۱۱).

چنان‌که گذشت ریتم بی‌پایان قوس‌ها و نقوش مشابهی که هر یک به نحوی به سمت بالا اشاره دارند، جملگی نوعی کشیدگی فضایی را در ذهن متبار می‌کنند. تزییناتی که از سطوح درب‌ها آغاز می‌شوند و تا بلندای

اینجاست که می‌توان بازتاب مفهوم امت یا یکپارچگی اجتماعی در بین مردم را به عنوان اصلی اساسی در برنامه‌ریزی و ساماندهی ساخت محیط اسلامی مشاهده کرد (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۹۵). اصلی که موجب گردید مردمان لافت بی‌آن که در پی ساختن بنای‌های یادمانی باشند، کلیت فضای سکونتی خود را به یادمانی با جلوه‌های زیبای بصری بدل کنند.

در مقیاس بنا

اگر عناصر اصلی واحدهای مسکونی در لافت را که دارای تأثیر بصری بر فضای عمومی هستند؛ بادگیر و پیش تاق و درب و سردر بفضای ورودی (تصویر شماره ۱۶) بدانیم به کارگیری نقش مایه‌های تزیینی در این سه عنصر را می‌توان سطوح کاربست عناصر تزیینی در مقیاس بنا دانست. تصویر شماره ۱۷ سلسله مراتب دید به عناصر کالبدی یکی از خانه‌های پیرامون مسجد میانی را به نمایش می‌گذارد. در اینجا مطابق میدان دید کلی انسان، کاربست تزیینات در سه مرحله مشخص شده است. در مرحله اول، بادگیر به واسطه ابعاد کالبدی و ارتفاع ۹/۳۵ متری خود، نخستین چیزی است که از این بنا در معتبر عمومی درک می‌شود. در مرحله دوم فضای ورودی، فرم کالبدی و تزیینات به کار رفته در آن مشاهده شده و در نهایت با مکث در فضای ورودی، نقوش به کار رفته در درب ورودی خانه خود نمایی می‌کنند.

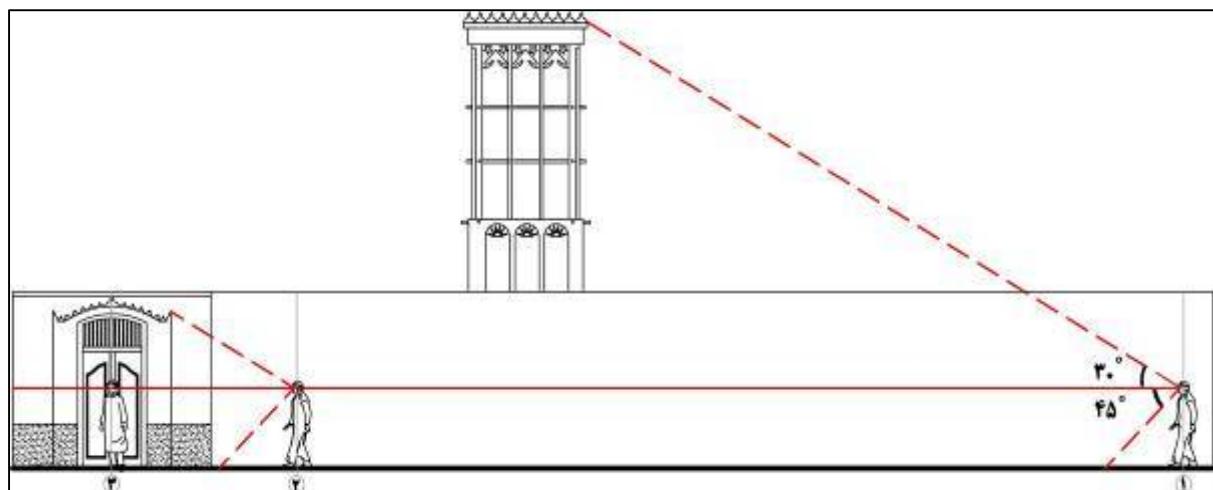
اما آنچه این سیر تسلسلی دید را جالب توجه می‌نماید کاربست تزییناتی مشابه در ۳ عنصر بالاست. بادگیر چهار طرفه این بنا دارای ساختهای قوسی شکل در ستون، گچ کاری‌های فرمی در دهانه و مقرنس‌هایی بر فراز خود است. فرم کلی فضای ورودی نیز دارای مشابهت‌هایی با عناصر قوسی شکل ستون بادگیر و

اسلامی، اولاً به واسطه پنهان داشتن تمایزات مالی و اجتماعی انسان‌ها و ثانیاً از طریق متذکر شدن آن‌ها به ارزش‌های والای معنوی نظری تواضع و برابری، نقش تذکردهی خود را ایفا می‌کند.

بادگیرها و منار مساجد ادامه می‌باشد و در آنجا با آسمان پیوند یافته و در یک سیر سلسله مراتبی حرکت از کثرت به وحدت را به نمایش می‌گذارند. بندر لافت همانند سایر سکونتگاه‌های کهن قلمرو



ت ۱۶. تزیینات به کار رفته در مقیاس یک بنا شامل بادگیر، پیش تاق، درب و روودی. منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳.



ت ۱۷. سیر تسلسلی دید در گذر اصلی بافت کهن لافت در مقیاس بنا. منبع: نگارندگان.

نتیجه

آنچه در این نوشتار آمده گامی است در جهت شناسایی منظر بصری سکونتگاه‌های تاریخی کشور و تأکید بر این نکته که کاربست تزیینات در عرصه سکونتگاهی اسلامی تنها منحصر به پوشش سطوح درونی نبوده و در عرصه عمومی نیز بسط می‌یافته است. در این راستا موارد زیر به عنوان نتایج این پژوهش قابل ارائه است:

۱. انتخاب و کاربرد نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی در عرصه عمومی بافت کهن بندر لافت در عین مطابقت با اصول دینی، زمینه‌ای را برای رشد نامحدود و سلسله مراتبی طرح‌ها بر عناصر شاخص بصری فراهم کرده است.

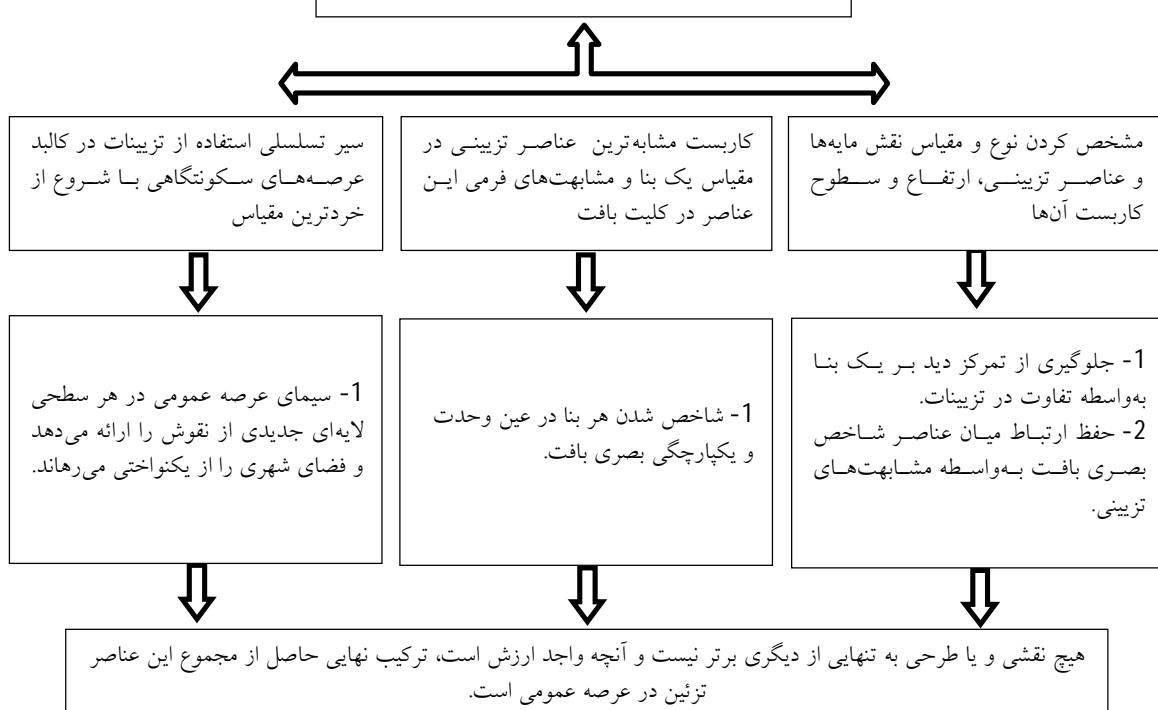
۲. توجه به قابلیت و محدودیت‌های چشمان انسان در کاربست تزیینات بر سطوح مختلف بافت، چنان‌که در محدوده قد یک انسان بر غنای عناصر تزیین افزوده شده

و در سطوح ارتفاعی بالاتر ابعاد این عناصر جهت درک بهتر افزایش یافته است.

۳. استفاده از تزیینات مشابه و خرد مقیاس، علاوه بر جلوگیری از ایجاد شکاف در عرصه اجتماعی و تأکید بر تفاوت‌ها، سبب پیوند عناصر مختلف کالبدی شده و از بافتی با عناصر ساده معماری، ترکیب بصری شگرفی را پدید آورده است.

در نهایت می‌توان به اصول زیر (نمودار شماره ۱) به عنوان برداشت‌هایی از نحوه کاربست تزیینات لافت جهت ساماندهی سیمای بصری شهرها و روستاهای امروز اشاره کرد. اصولی که جای خالی آن‌ها در طرح‌های شهری و روستایی با وجود ساخت‌وساز و نوسازی‌های پیاپی چیزی را جز اغتشاش بصری برای عرصه سکونتگاهی کشور به ارمغان نیاورده است.

اصول شکل‌گیری تزیینات فضاهای عمومی



ن ۱. اصول پیشنهادی برای ساماندهی تزیینات در جداره‌های شهری. منبع: نگارندهان.

فهرست منابع

- امت علی، عباس.(1383)، بررسی تاریخی و معرفی بندر لافت جزیره قشم، اثر، شماره 36 و 37، صص 136-139.
- بهشتی، سید محمد.(1389)، مسجد ایرانی مکان معراج مومین، انتشارات روزنه، تهران، چاپ اول.
- دوپولو، پاپا. (1368). معماری اسلامی، نشر فرهنگی رجا، تهران، چاپ دوم.
- سلطانزاده، حسین. (1392)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.
- گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. (1380)، معماری بندر لافت، سازمان منطقه آزاد قشم، تهران، چاپ اول.
- عباس زادگان، مصطفی ؛ رضازاده، راضیه. (1380)، طرح هادی بندر لافت.
- لیلیان، محمدرضا؛ مهدیه عابدی ؛ آرین امیرخانی. (1392)، جستاری بر شناخت ویژگی‌های ساختاری معماری روستای جزیره قشم (نمونه موربدرسی: روستای لافت)، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 130، صص 22-37.
- مددپور، محمد. (1387)، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر، تهران، چاپ سوم.
- مرتضی، حشام. (1387)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- مکی نژاد، مهدی. (1381)، نقش تزیینات در معماری اسلامی - کاشی ایرانی، نشریه کتاب ماه هنر، شماره 45 و 46.
- میشل، جرج. (1388)، معماری جهان اسلام: تاریخ و مفهوم اجتماعی آن، انتشارات مولی، تهران، چاپ دوم.
- نقره کار، سید عبدالحمید. (1387)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- نقی‌زاده، محمد. (1387)، شهر و معماری اسلامی: از تجلیات تا عینیات. تهران: مانی.
- هیل براند، روبرت.(1391)، معماری اسلامی: تهران: مؤسسه چاپ شادرنگ: چاپ ششم.